

داستان فرگشت پدر: انسان مذکر چگونه حامی فرزند شد؟

آیا پدرها جذابیت جنسی دارند؟

بیشتر پستانداران نر ارتباط کمی با فرزندان خود دارند یا اصلاً کاری با آن‌ها ندارند؛ پس چرا پدران ما انسان‌ها تا این حد متفاوت رفتار می‌کنند؟ آیا پدر بودن، مزیت فرگشتی برای ما انسان‌ها دارد؟

به گزارش سایت خبری پرسون، «لی گتler» به سختی می‌تواند تلفن خود را جواب بدهد؛ صرفاً به این دلیل معمولی که مشغول مراقبت از دو فرزند خردسالش است. این رفتار او هرچند در میان انسان‌ها عادی است، اما در بین پستانداران دیگر منحصربه‌فرد محسوب می‌شود.

«گتler» انسان‌شناس در دانشگاه نوتردام است و به مطالعه پدران مشغول است. او و دیگر پژوهشگران دریافته‌اند که نقش پدرها بین فرهنگ‌ها بسیار متفاوت است و برخی از پدران حیوانات دیگر ممکن است نگاه اجمالی مفیدی از گذشته تکاملی ما ارائه دهند. درک عمیق‌تر از این موضوع که پدرها از کجا آمده‌اند و اینکه چرا پدر بودن هم برای پدران و هم برای فرزندان اهمیت دارد، می‌تواند برای تمام انواع خانواده‌ها مفید باشد.

«ربکا سیر» انسان‌شناس و جمعیت‌شناس فرگشتی از دانشکده بهداشت و پزشکی گرمسیری لندن می‌گوید: «اگر به سایر گونه‌های پستانداران نگاه کنید، می‌بینید که پدران معمولاً کاری جز فراهم کردن اسپرم انجام نمی‌دهند».

مادران در بیشتر حیوانات، بار مراقبت از فرزندان را به تنهایی به دوش می‌کشند. حتی در میان دیگر میمون‌های بی‌دم که نزدیک‌ترین خویشاوندان زیستی ما به شمار می‌روند، بیشتر پدران کار زیادی انجام نمی‌دهند. این بدان معنا است که مادران کل کارها را انجام می‌دهند و باید بین زایمان‌ها فاصله باشد تا بتوانند از فرزندان خود مراقبت کنند. شامپانزه‌های وحشی هر ۴ تا ۶ سال یک‌بار زایمان می‌کنند و فاصله بین زایمان اورانگوتان‌ها ۶ تا ۸ سال است.

اما اجداد انسان‌ها راهبرد متفاوتی را اتخاذ کردند. مادران از جامعه و خویشاوندان خود، از جمله پدران کمک گرفتند. این امر به آن‌ها آزادی داد تا بچه‌های بیشتری داشته باشند و فاصله بین زایمان‌هایشان کمتر شود. این راهبرد، بخشی از داستان موفقیت انسان‌ها است.

ارتباط با سطح تستوسترون

«لی گتler» مطالعه طولانی‌مدتی روی مردان در فیلیپین انجام داد و داده‌های زیستی آن‌ها را از اوایل دهه سوم زندگی جمع‌آوری کرد و سپس پنج سال بعد دوباره آن‌ها را مورد پیگیری قرار داد. مردانی که در اوایل دهه سوم زندگی خود سطح تستوسترون بالاتری داشتند، با احتمال بیشتری در آینده ازدواج کرده و صاحب فرزند بودند؛ اما پدران جدید تستوسترون بالایی نداشتند و خصوصاً اگر نوزادی در خانه داشتند، سطح تستوسترون آن‌ها به‌طور چشمگیری کاهش پیدا کرده بود. وقتی کوچک‌ترین فرزند مرد کودکی نوپا بود، سطح تستوسترون او به‌تدریج شروع به افزایش می‌کرد.

سطح هورمون تستوسترون با جفت‌گیری و رفتار رقابتی در حیوانات نر ارتباط دارد و کاهش آن ممکن است راهی طبیعی برای آماده کردن پدران برای همکاری با شریک زندگی‌شان و مراقبت از فرزندانشان باشد.

اگرچه پدران مراقب در میان پستانداران و حیوانات دیگر نادر هستند، بسیاری از آن‌ها را می‌توان در میان پرندگان یافت و این پرندگان پدر نیز کاهش تستوسترون را تجربه می‌کنند. پرولاکتین، هورمون دیگری است که با رفتار پدرانه در پرندگان ارتباط دارد. پرندگان نری که صاحب فرزند شده‌اند، مقدار بیشتری از آن دارند. برخی از مطالعات به تأثیر مشابهی در انسان‌ها اشاره کرده‌اند.

سرنخ‌های گوریل کوهستان

برخی از سرنخ‌ها درباره منشأ رفتار پدری از خویشاوندان نزدیک ما می‌آید. «استیسی روزنهام» انسان‌شناس در دانشگاه میشیگان، گوریل‌های کوهستان را در رواندا مطالعه می‌کند. گتler، روزنهام و «آدام بویت» در مقاله‌ای به سال ۲۰۲۰ در مجله Annual Review of Anthropology استدلال می‌کنند که گوریل‌ها نکات جالبی را در مورد منشأ پدران میمون‌های بی‌دم ارائه می‌دهند.

گوریل‌های کوهستان، نوعی گوریل شرقی هستند. آن‌ها با گوریل‌های غربی (گونه مجزایی از گوریل‌ها که عمدتاً در باغ‌وحش‌ها دیده می‌شوند) از نظر عادات و رژیم غذایی فرق دارند. روزنهام بیشتر به ویژگی متمایز دیگری از گوریل‌های کوهستان علاقه دارد: این‌که فرزندان زمان زیادی را در کنار نرها سپری می‌کنند. این نرها ممکن است پدر آن‌ها باشند یا نباشند و به نظر نمی‌رسد برای آن‌ها اهمیتی داشته باشد که کدامیک فرزند آن‌ها است.

برخلاف میمون‌های بی‌دم بزرگ دیگری که در طبیعت مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، این نرها (از نظر جثه قوی‌تر از ماده‌ها هستند و عضلات و دندان‌هایی

بزرگ دارند) اساساً پرستار بچه‌ها هستند. برخی آن‌ها را در آغوش می‌گیرند و با آن‌ها بازی می‌کنند. مشارکت نرها می‌تواند از گوریل‌های بسیار جوان در برابر شکارچیان محافظت کند و از کشته شدن خردسالان توسط نرهای مهاجم جلوگیری کند. به گفته روزنام، مزیت دیگر آن می‌تواند اجتماعی باشد.

گوریل‌های جوانی که با نرهای بالغ معاشرت می‌کنند، ممکن است مهارت‌های اجتماعی را بیاموزند. علاوه‌براین، روابط میان گوریل‌های جوان و نرهای بالغ در زمان بزرگ شدن گوریل‌های خردسال همچنان تداوم دارد.

نکته جالب دیگر در این باره که چگونه گوریل‌های نر برای خردسالان گروه خود مفیدند، از مقاله تازه‌ای می‌آید که روی گوریل‌های کوهستان یتیم انجام شده بود. پژوهشگران دریافتند از دست دادن مادر موجب افزایش مرگ آن‌ها نمی‌شد. آن‌ها همچنین هزینه‌های دیگری مانند انتظار طولانی‌تر پیش از فرزنددار شدن را تجربه نکردند. به نظر می‌رسد رابطه گوریل‌های یتیم با اعضای دیگر گروه خصوصاً نرهای غالب، از آن‌ها در برابر اثرات منفی محافظت می‌کرد.

گوریل‌های نر کوهستان، تنها نخستین‌سان‌هایی نیستند که با خردسالان معاشرت می‌کنند. ماکاک‌های نر بالغ نیز با خردسالان وقت می‌گذرانند. بابون‌های نر نیز با ماده‌ها و فرزندان جوان آن‌ها که اغلب (اما نه همیشه) فرزندان خودشان هستند، رابطه دوستی برقرار می‌کنند.

آیا پدران جذابیت جنسی دارند؟

نگهداری از خردسالان ممکن است از راه دیگری برای گوریل‌های نر مفید باشد. روزنام می‌گوید ممکن است ماده‌ها جفت‌گیری با نرهایی را ترجیح دهند که تعامل زیادی با بچه‌ها دارند. او دریافت گوریل‌های نری که در اوایل زندگی بیشتر از خردسالان مراقبت می‌کنند، وقتی بزرگ‌تر می‌شوند فرزندان بیشتری به دنیا می‌آورند. به نظر می‌رسد ماکاک‌ها نیز اگر زمان بیشتری را در حال معاشرت با خردسالان بگذرانند، برای ماده‌ها جذاب‌ترند.

انسان‌شناسان تصور می‌کردند رفتار پدران فقط در حیواناتی می‌تواند تکامل پیدا کند که سبک تک‌جفتی دارند. گونه‌هایی مانند گوریل‌های کوهستان این فرض را به چالش می‌کشند. آن‌ها همچنین نشان می‌دهند برخلاف آنچه دانشمندان مدت‌ها فکر می‌کردند، حیوانات نر مجبور نیستند بین صرف انرژی برای جفت‌گیری یا فرزندپروری یکی را انتخاب کنند. به نظر می‌رسد مراقبت از خردسالان می‌تواند راهی برای پیدا کردن جفت و جفت‌گیری باشد.

کرمیت اندرسون، انسان‌شناس در دانشگاه اوکلاهما می‌گوید بسیاری از نرها به خواست خود با خردسالانی ارتباط می‌گیرند که فرزند خودشان نیستند. این سرمایه‌گذاری ممکن است از نظر تکاملی متناقض به نظر برسد؛ اما پژوهش‌های او نشان می‌دهد نرها به‌عنوان سرمایه‌گذاری در روابط خود با ماده‌ها، دست به مراقبت از فرزندان دیگران و حتی فرزندان زیستی خود می‌زنند.

البته انسان‌های پدری که از فرزندان خود یا فرزندان ناتنی‌شان مراقبت می‌کنند، با میمون‌هایی که فقط اجازه می‌دهند خردسالان در اطراف آن‌ها باشند، متفاوت است؛ اما گنلر و روزنباوم در این باره کنجکاوند که آیا اجداد ما عادت‌هایی مشابه با گوریل‌های کوهستان یا ماکاک‌ها داشته‌اند یا خیر. تحت فشارهای فرگشتی، تمایلات دوستانه نسبت به خردسالان می‌توانسته به رفتار پدران دلسوزانه تبدیل شده باشد.

پدر در گونه انسان

آشکار است که پدران انسان از نظر توجه به فرزندان خود غیرعادی هستند. باین‌حال، روشن است که پدر بودن در انسان‌ها متغیر است. همه پدرها در مراقبت از کودکان مشارکت نمی‌کنند و گاهی حتی در خانواده حضور ندارند؛ اما این امر لزوماً بر بقا تأثیر نمی‌گذارد.

در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۸ پژوهشگران این سؤال را مطرح کرده بودند که آیا احتمال مرگ فرزندان بدون پدر بیشتر است؟ آن‌ها داده‌های مربوط به بقای کودکان را از ۴۳ مطالعه روی جمعیت‌هایی از سراسر جهان (عمدتاً جمعیت‌هایی که به مراقبت‌های پزشکی مدرن دسترسی ندارند) موردبررسی قرار دادند.

در یک‌سوم مطالعاتی که روی پدران انجام شده بود، احتمال بقای کودکانی بیشتر بود که پدر در اطراف آن‌ها بود؛ اما در دوسوم دیگر، فرزندان بدون پدر مشکلی از نظر بقا نداشتند (در مقابل، مطالعات انجام‌شده روی کودکان بدون مادر نشان می‌داد احتمال زنده ماندن آن‌ها کمتر است). پژوهشگران فکر می‌کنند این امکان وجود دارد که در نبود پدر، سایر اعضای خانواده یا جامعه بتوانند جای او را پر کنند.

گنلر امیدوار است بتواند به گسترش تعریف پدر کمک کند. پژوهش‌ها نشان داده است پدران می‌توانند نقش مهمی در مراقبت مستقیم از فرزندان خود داشته باشند و به کودکان آموزش و مهارت‌های اجتماعی بیاموزند. پدران ممکن است با ایجاد روابط در جوامع خود به فرزندان خود کمک کنند. وقتی صحبت از بقا می‌شود، ایجاد شبکه‌ای از روابط می‌تواند بسیار مهم باشد.

وظایف پدر در میان فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. به‌عنوان مثال، در جمهوری کنگو، گنلر با دو جامعه همسایه کار می‌کند. جامعه اول ماهیگیر و کشاورز هستند. آن‌ها برای پدرانی ارزش قائلند که برای به‌دست آوردن غذا برای خانواده خود تلاش می‌کنند. همسایگان آن‌ها جامعه گردآورنده‌ای هستند که منابع خود را با خارج از خانواده‌هایشان به اشتراک می‌گذارند.

در جوامع مدرن، ایده خانواده‌مرکزی را داریم که در آن پدران کل وظیفه تأمین مایحتاج و مادران کل مراقبت از فرزندان را بر عهده دارند؛ اما در سطح جهان، خانواده‌های متفاوتی هم وجود دارند. والدین زیستی کودک ممکن است با هم زندگی نکنند. مراقبت از کودکان و تأمین غذا ممکن است از سوی هریک از والدین یا اینکه از سوی هیچ‌یک تأمین شود.

سیر معتقد است که ویژگی کلیدی تعیین‌کننده گونه ما، انعطاف‌پذیری رفتار ما است. او امیدوار است پژوهش‌ها درک دانشمندان را از این موضوع افزایش دهند که از نظر فرگشتی هدف از حضور پدرها چه بوده و خانواده انسانی چه تعریفی دارد. این درک ممکن است به جوامع کمک کند تا از انواع خانواده‌ها حمایت کنند.